

Why and how to praise Jafar bin Abi Talib in the narrations of seven distinguished personalities transmitted from the Prophet (pbuh) and Ahl al-Bayt (pbuh)

Hadi Yaqubzadeh¹ / Nematollah Safari Forushani²

(DOI): [10.22034/mte.2024.19848.1864](https://doi.org/10.22034/mte.2024.19848.1864)

Abstract

Original Article

P 82 - 105

Narratives have been narrated in Shia and Sunni sources, in which, along with the Messenger of God (PBUH), seven prominent personalities from the Ahl al-Bayt (PBUH) are mentioned who have virtues that are unique among the past and future generations. One of these seven personalities, whose existence is praised among the Ahl al-Bayt (PBUH), is Jafar bin Abi Talib. Now the question is, why and how Jafar bin Abi Talib is honored in these narrations? The descriptive-analytical review of these news and traditions showed that Jafar bin Abi Talib, due to his personal and family characteristics, faith and steadfastness, effective activities and actions in the service of Islam, found the merit of being next to the Messenger of God (p) and several members of his Ahl al-Bayt (pbuh) should be mentioned as one of the seven virtues. It can be said that the purpose of the Messenger of God (pbuh) and Ahl al-Bayt (a) is to praise Jafar and remember him well, to show superior models to the society, to protest against the opponents and to prove the superiority and righteousness of Ahl al-Bayt (a) and It has been emotional motivation and hope for the future.

Key words: Jafar bin Abi Talib (pbuh), Mubahat, seven distinguished personalities, Prophet (pbuh), Ahl al-Bayt (pbuh).

1 - Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Iran University of Arts, Tehran (corresponding author).
yaghoubzadeh@art.ac.ir

2 - Professor of the Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, affiliated to Al-Mustafa (PBUH) International University. Nematollah_SafariForushani@miu.ac.ir

Received: 2024/10/31 | Accepted: 2024/11/15



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

چرایی و چگونگی مباحثات به جعفر بن ابی طالب در روایات هفت شخصیت ممتاز منقول از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

هادی یعقوب زاده (نویسنده مسئول) | نعمت الله صفری فروشانی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/mte.2024.19848.1864](https://doi.org/10.22034/mte.2024.19848.1864)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۰۵/۸۲

چکیده

روایاتی در منابع شیعه و سنی نقل شده که در آن در کنار رسول خدا (ص) از هفت شخصیت برجسته از اهل بیت (ع) یاد شده که دارای فضائل هستند که در میان پیشینیان و آیندگان بی نظیر است. یکی از این هفت شخصیت که به وجود او در میان اهل بیت (ع) مباحثات شده، جعفر بن ابی طالب است. حال پرسش این است که چرا و چگونه در این روایات به جعفر بن ابی طالب افتخار شده است؟ بررسی توصیفی-تحلیلی این اخبار و روایات نشان داد که جعفر بن ابی طالب به دلیل ویژگی‌های فردی و خاندانی، ایمان و ثبات قدم، فعالیت‌ها و اقدامات موثر در خدمت به اسلام شایستگی این را پیدا کرده که در کنار رسول خدا (ص) و چند تن از اهل بیت (ع) ایشان به عنوان یکی از فضائل هفتگانه یاد شود. می‌توان گفت هدف رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) از مباحثات به جعفر و یادکرد نیک از وی، نشان دادن الگوهای برتر به جامعه، احتجاج در مقابل مخالفان و اثبات برتری و حقانیت اهل بیت (ع) و انگیزه‌های عاطفی و امیدبخشی به آینده بوده است.

واژگان کلیدی: جعفر بن ابی طالب (ص)، مباحثات، هفت شخصیت ممتاز، پیامبر (ص)، اهل بیت (ع).

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر ایران، تهران (نویسنده مسئول). yaghoubzadeh@art.ac.ir

۲. گروه تاریخ اهل بیت، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم،

Nematollah_SafariForushani@miu.ac.ir ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵



مقدمه

جعفر بن ابی طالب از معدود صحابه رسول خدا (ص) است که در مدح وی روایات متعددی از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) وارد شده است. از جمله این روایات، مجموعه اخبار و روایاتی است که در آنها با استفاده از عباراتی همچون «أعطانا الله سبع خصال» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲۶۳/۱)، و مانند آن (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۶۱۳)، و یا عبارتی همچون «نحن بنو عبدالمطلب» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ۸۵۷/۲)، به وجود هفت فضیلت در اهل بیت (ع) افتخار شده که نمونه آن در گذشتگان و آیندگان وجود نداشته و نخواهد داشت. این هفت فضیلت اشاره به هفت شخصیت از اهل بیت (ع) دارد که پیرامون رسول خدا (ص) گرد آمده‌اند. یکی از این شخصیت‌ها جعفر بن ابی طالب (س) است که در این روایات، رسول خدا (ص) و برخی دیگر از ائمه (ع) به وجود وی مباحث کرده‌اند. بررسی منابع، ما را به دو دسته از روایات رهنمون ساخت که در یکی از آنها از رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب، حسن (ع)، و حسین (ع) (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۶۱۳)، و در دسته دیگر از رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)، و مهدی (عج) یاد شده است (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ۷۷-۷۶/۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق: ۳۹۲/۲-۳۹۳). در مقاله حاضر، روایات موجود در قالب دو بحث چگونگی و چرایی مباحثات به جعفر بن ابی طالب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند که برآیند کلی آن پاسخگویی به این پرسش است که چرا و چگونه رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) در قالب روایات فضائل هفتگانه به جعفر بن ابی طالب افتخار کرده‌اند؟ ناگفته پیداست متن روایات حاوی واژگانی است که مفهوم شناسی آنها به درک بهتری از روایات کمک خواهد کرد. از این رو، پیش از ورود به اصل بحث، مفهوم شناسی صورت گرفته و پس از آن شناختنامه مختصری از جعفر بن ابی طالب ارائه و در ادامه چگونگی مباحثات به ایشان و سپس چرایی این مباحثات تبیین خواهد گردید.

پیشینه پژوهش

به رغم جستجوی انجام شده، آثاری که در راستای مسئله حاضر نوشته شده باشند، یافت نگردید. با این حال، زندگینامه جعفر و پرداختن به ابعاد او از شخصیت وجودی وی نه لزوماً با تکیه بر روایات فضائل هفتگانه، مورد توجه برخی از نویسندگان بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب زندگینامه حضرت جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار «ع») نوشته محمد حسن مولوی نجفی (۱۳۷۶) اشاره کرد که مروری بر زندگی جعفر بوده و در آن به مسئله پژوهش حاضر پرداخته نشده است. به مانند این اثر،

کتاب‌های دیگری نیز با محوریت زندگینامه جعفر بن ابی طالب (س) و داستان‌های مربوط به ایشان نگاشته شده که مسئله پژوهش حاضر موضوع محوری آنها نبوده و اساساً از رویکرد پژوهشی برخوردار نیستند. همچنین، می‌توان به مدخل‌هایی با عنوان «جعفر بن ابی طالب» به قلم حمید حاج امینی (۱۳۸۲)، در دائرة المعارف قرآن کریم، ستار عودی (۱۳۸۵)، در دانشنامه جهان اسلام، و علی بهرامیان (۱۳۸۹)، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، اشاره کرد که صرفاً مروری بر زندگی جعفر بن ابی طالب بوده و نظری به تبیین چرایی و چگونگی مباحث به وی در روایات فضائل هفتگانه نداشته‌اند. همچنین، هر چند در مقاله «واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب (س) و جعفر بن ابی طالب (س) در کلام اهل بیت (ع)»، (۱۴۰۰)، نوشته نویسندگان پژوهش حاضر، تبیین علمی از جایگاه و منزلت جعفر بن ابی طالب ارائه شده، اما در این مقاله نیز بررسی چرایی و چگونگی مباحث به جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه اهل بیت (ع) مدنظر نبوده است. از این رو، پژوهش حاضر به جهت بررسی چرایی و چگونگی مباحث به جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه اهل بیت (ع) که پیشتر مورد بررسی قرار نگرفته، کاری بدیع بوده و از اهمیت برخوردار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی کیفی بوده که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به سراغ داده‌هایی رفته که از منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت به دست آمده و با کنار هم گذاردن آنها و تحلیل محتوایی شان به نتایج مدنظر دست یافته و توانسته پرسش اصلی پژوهش را پاسخ دهد. جامعه آماری پژوهش حاضر، روایات فضائل هفتگانه و نیز اخبار و احادیثی است که درباره جعفر بن ابی طالب در منابع شیعه و سنی نقل شده است.

۱. مفهوم شناسی

در روایات فضائل هفتگانه اهل بیت (ع)، واژگان مهمی آمده که تبیین آنها به درک بهتر روایات کمک می‌کند. سه واژه «اعطانا الله» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۶۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۸/۵۱-۷۹)، «اعطینا» (ابن مغازلی، ۱۳۹۴ق: ۱۰۱)، و «فضلنا» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ۷۶-۷۷)، که همه آنها دلالت بر تفضل و عنایت ویژه خداوند می‌کنند، در اخبار فوق تکرار شده که در واقع به جایگاه ویژه اهل بیت (ع) در نزد خداوند اشاره می‌کنند. دو واژه «اعطانا» و «اعطینا» به معنای بخشش و اعطا به کار می‌روند و کاربرد آنها درباره خداوند در عین آنکه به بخشش و بذلی ویژه از جانب خداوند اشاره

می‌کنند، نشان دهنده شایستگی گیرنده این بذل نیز هستند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۷۳/۸). این معنا از کلمه «فضلنا» که در روایت امام سجاد (ع) آمده بود نیز است (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ۷۶-۷۷؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق: ۳۹۲/۲-۳۹۳)، برداشت می‌شود، چه اینکه این واژه در حالتی مقایسه‌ای می‌تواند به وجود برتری شخص و یا گروهی بر دیگران به دلیل وجود برخی از مزیت‌ها اشاره داشته باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۰۷/۹). در روایات فضائل هفتگانه نیز گفته شده که خداوند اهل بیت (ع) را به جهت خصال و فضائل بر دیگران برتری داده و این از تفضل الهی بر ایشان است. طبیعتاً این اعطا و تفضل بدون شایستگی نبوده، بلکه به واسطه اعمال شایسته و نیت‌های خالصانه و مجاهدات مستمر شخصیت‌های ممتاز اهل بیت (ع) از جمله جعفر بن ابی طالب، به دست آمده است.

واژه «خصال» نیز یکی دیگر از واژگان پرتکرار در روایات فضائل هفتگانه است (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۶۱۳؛ ابن مغزلی، ۱۳۹۴ق: ۱۰۱؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۶۸/۲). خصال، که مفرد آن «خَصَلَة» است، به حالت و ویژگی امور و یا افراد گفته می‌شود و از آن برای اشاره به ویژگی مطلوب و یا ناپسند استفاده می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۶/۴). با این وجود، برخی بر این باورند که واژه خصال غالباً برای بیان فضیلت و صفات پسندیده به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۰۶/۱۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ۵۰۴/۳).

در روایات فضائل هفتگانه عبارات «نحن بنو عبدالمطلب» (سلیم، ۱۴۰۵ق: ۸۵۷/۲). یا «اختار من بنی هاشم» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۹/۸)، نیز به کار رفته که دلالت بر اختصاص این فضائل به خاندان عبدالمطلب و بنی هاشم می‌کند. در این روایات از عباراتی همچون «ساده» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ۵۴۳/۵)، و «خیر الناس» (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۶۱۱)، و «خیر الخلق» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۰/۱)، نیز بهره برده شده که هر کدام بر برتر بودن این هفت شخصیت ممتاز بر دیگران دلالت می‌کنند. واژه «ساده» جمع «سَدِد» بوده (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۴۹۰/۲)، و نوعی تشخص به همراهی برتری بر دیگران را نشان می‌دهد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۵۶/۵). واژه «خیر» نیز به هر امر مطلوبی گفته می‌شود که همگان به دنبال آن هستند؛ مانند عقل، عدالت، فضیلت، امور سودمند و پر فایده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۰۰). واژه «خیر» به خودی خود معنای تفضیل و برتری را می‌رساند، از این رو، هیچ‌گاه به صورت «أخیر» بر وزن «افعل تفضیل» نمی‌آید (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۶۴/۴). از این رو، می‌توان گفت واژه «خیر» در روایات فضائل هفتگانه بیانگر برتری بلامنزاعه اهل بیت (ع) بر دیگران است که این امر به خاطر وجود فضائل هفتگانه در میان ایشان است که یکی از ایشان جعفر بن ابی طالب است.

واژه «مباهات» نیز یکی از کلمات کلیدی پژوهش حاضر است که البته در روایات مورد بحث نیامده

و از مضمون آنها برداشت می‌شود. واژه مباحث به معنی «مفاخره» است که نوعی تقابل را می‌رساند (ابن اُثیر، ۱۳۶۷: ۱۶۹/۱). یعنی در واقع، کسی و یا کسانی هستند که منکر این فضائل هستند و برای همین گوینده به آن فضیلت مباحث کرده و به آن می‌بالد تا درستی و حقانیت این فضائل را به اثبات برساند.

در جمع‌بندی لازم است گفته شود نوع استعمال واژگان «خصال»، «فضیلت»، «ساده» و «خیر» در روایات فضائل هفتگانه، بیانگر آن است که مصداقی که دارای این فضائل هستند، به قدری این فضائل در آنان متجلی شده که انگار خود فضیلت هستند و در واقع مصداق اتم و اکمل آن به حساب می‌آیند. به مانند عبارت «زیدٌ عدلٌ» که بیانگر آن است که زید به دلیل عدالت ورزی بسیار، سمبل عدالت به شمار می‌آید. این روایات نیز درصدد آن هستند که نشان دهند هر یک از هفت شخصیت برجسته به همراه رسول خدا (ص) مصداق تام و کامل فضیلتی هستند که به آن متصف شده‌اند. به عنوان نمونه، در این روایات از جعفر بن ابی طالب به عنوان برترین شهدا در کنار حمزه یاد شده است که در واقع بیانگر آن است که وی و حمزه مصداق اتم و اکمل شهیدان در میان غیر معصومین بوده و دیگران با ایشان مقایسه خواهند شد.

۲. شناختنامه جعفر بن ابی طالب

جعفر فرزند سوم ابوطالب و فاطمه بنت اسد است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۲/۱؛ ابن اُثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۱)، که ۲۰ سال قبل از بعثت رسول خدا (ص) در شهر مکه متولد گردید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۲/۱؛ ابن عقده، ۱۴۲۴ق: ۱۱). او که بعدها به واسطه فرزند بزرگش عبدالله، با کنیه ابو عبدالله خوانده می‌شد (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۹۸/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۲/۱)، در کودکی به خاطر شرایط مالی ابوطالب و عائله‌مندی وی، به عمویش عباس بن عبدالمطلب (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۸۶/۱) و یا حمزه بن عبدالمطلب سپرده شد (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۱۸۸/۱). برخی نقش عباسیان (حک: ۱۳۲-۶۵۶ق)، در خبر سپردن جعفر به عباس را دور از ذهن ندانسته‌اند. خصوصاً آنکه، عباسیان به دنبال برجسته‌سازی نقش جدشان عباس در تحولات صدر اسلام بوده‌اند (پهرامیان، ۱۳۸۹: ۶۰/۱۸). پس از آنکه حضرت محمد (ص) به رسالت مبعوث شد، جعفر جزو اولین کسانی بود که به آن حضرت گروید و از اولین برپا کنندگان نماز جماعت به امامت رسول خدا (ص) بود (ابن اُثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۱). با سخت‌تر شدن شرایط حضور مسلمانان در مکه به دلیل شکنجه و آزارهای مشرکان قریش، به امر پیامبر (ص) برخی از مسلمانان به حبشه مهاجرت کردند که جعفر سرپرستی

گروه دوم را که جمعیت بیشتری داشت، بر عهده گرفت (احمدی میانجی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۱/۱). جعفر به دلیل تسلط بر آموزه‌های اسلام و نیز به واسطه سخنوری و درایتش، به عنوان نماینده مسلمانان (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۹۴۵/۳)، در حضور نجاشی؛ پادشاه حبشه، به دفاع از اسلام و مسلمانان پرداخت و توانست عمرو عاص را که به نمایندگی قریش برای بازگرداندن مسلمانان مهاجر به حبشه آمده بود، مغلوب کند (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۳۸/۱؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲۹/۲؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۵۲/۴). جعفر بعد از پانزده سال، به درخواست رسول خدا (ص) به همراه مسلمانانی که در حبشه برجای مانده بودند، به مدینه بازگشت (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۳۸/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۸/۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۳/۲). این بازگشت که با فتح خیبر مقارن شده بود، از نظر رسول خدا (ص) هم‌سنگ فتح خیبر به شمار آمد (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۹۸/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۹/۱-۲۱۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۲/۱). جعفر در سال هشتم هجری پس از زید بن حارثه به فرماندهی سپاهی منصوب شد که به سرزمین موته برای جنگ با رومیان می‌رفت (طبری املی، ۱۳۸۳ق: ۲۷۹/۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۶۲/۱۵). در این جنگ نابرابر جعفر یکی از کسانی بود که پس از رشادت بسیار به شهادت رسید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۲/۱). گفته شده است که جعفر در هنگام شهادت در حدود چهل سال سن داشته است (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۹۸/۱).

۳. مباحثات به جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه

جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه که از رسول خدا (ص) و برخی از اهل بیت (ع) نقل شده، به عنوان یکی از هفت شخصیت ممتاز اهل بیت (ع) نام برده شده است. در این روایات از جعفر به عنوان برترین شهید در کنار حمزه بن عبدالمطلب یاد شده است. در ادامه، به ویژگی «ذوالجناحین» صاحب دو بال» و «طیار» بودن جعفر نیز اشاره شده و در بیان آن گفته شده که جعفر در بهشت هم‌پرواز با فرشتگان خواهد بود. این مباحثات برای اولین بار توسط رسول خدا (ص) انجام شده است. از آن حضرت در قالب روایات مستقل و نیز در بیان تفسیر آیات، روایاتی در معرفی فضائل هفتگانه ذکر شده است. همچنانکه، گفته شد در دسته‌ای از این روایات رسول خدا (ص) در کنار خود از حضرت علی (ع)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و امام مهدی (عج) یاد کرده است. وجود این شخصیت‌ها در خاندان بنی هاشم مایه مباحثات بوده است. از این رو، روزی رسول خدا (ص) در میان مردم از الطاف فراوان خداوند بر بنی هاشم یاد کرد که یکی از این الطاف، برگزیدن هفت تن از بنی هاشم و رساندن ایشان به جایگاهی است که پیش از آن برای کسی

متصور نبوده و پس از آن برای کسی محقق نخواهد شد. در این جمع در کنار شخصیت برجسته رسول خدا (ص) به عنوان برترین پیامبران، حضرت علی (ع) به عنوان برترین جانشیان پیامبران، حسن و حسین به عنوان برترین اسباط، حمزه بن عبدالمطلب به عنوان سیدالشهداء، حضرت مهدی (عج) به عنوان منجی پایانی و کسی که حضرت عیسی (ع) با او نماز خواهد خواند، از جعفر بن ابی طالب (س) نیز به عنوان شهیدی که در بهشت با فرشتگان هم‌پرواز خواهد بود، یاد شده و به وجود وی در میان بنی هاشم افتخار شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۹/۸-۵۰). ذکر این اشخاص در قالب فضائلی که به آن متصف هستند، در واپسین روزهای حیات رسول خدا (ص) در گفتگوی آن حضرت با دخترشان حضرت فاطمه (س) که از فقدان قریب الوقوع رسول خدا (ص) دل نگران بود نیز، تکرار گردید. این خبر نخستین بار در کتاب سلیم بن قیس به نقل از سلمان فارسی (د. ۳۳ق) آمده است (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ۵۶۶/۲-۵۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۲۸). البته، نقل این روایت به منبع فوق محدود نبوده و در دیگر منابع نیز نقل شده است. همچنانکه، خبر فوق از ابو ایوب انصاری (د. ۵۲ق) در المسترشد طبری آملی (د. ۳۲۶ق) (طبری آملی، ۱۴۱۵ق: ۶۱۳)، خصال شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۱۲/۲)، و کتاب مناقب علی بن ابی طالب ابن مغازلی (د. ۴۸۳ق) (ابن مغازلی، ۱۳۹۴ق: ۱۰۱)، نیز نقل شده است. همچنین، مضمون فوق در کشف الغمّة علی بن عیسی اربلی (د. ۶۹۲ق) (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۶۸/۲)، و مجمع الزوائد نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی (د. ۸۰۷ق) (هیثمی، ۱۳۵۳ق: ۱۶۵/۹-۱۶۶)، نیز نقل شده است. در کفایة الأثر نیز مضمون فوق از جابر بن عبدالله انصاری (د. بین ۶۸ تا ۷۹ق) نقل شده است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۶۳-۶۲). همچنین، در دو روایت از حضرت علی (ع)؛ یکی به نقل از امام باقر (ع) در قرب الإسناد (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۵)، و دیگری به نقل از اصبع بن نباته (د. قرن اول هجری) در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۰/۱) از جعفر بن ابی طالب به عنوان برترین شهدا و طیار در کنار شش شخصیت برگزیده از خاندان عبدالمطلب که عبارتند از: رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و قائم یاد شده است. در این روایات از حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب در کنار پنج تن از برجستگان اهل بیت (ع) یاد شده است که در میان ایشان رسول خدا (ص) دارای مقام رسالت و بقیه دارای مقام امامت بوده‌اند. ذکر این دو در کنار رسول خدا (ص) و امامان، نشان دهنده مقام و منزلت والای ایشان است.

در دسته دیگری از خبرها که از رسول خدا (ص) و دیگر اهل بیت (ع) نقل شده در کنار رسول خدا (ص)، از حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حمزه بن عبدالمطلب، جعفر بن ابی طالب، امام

حسن (ع) و امام حسین (ع)، به عنوان برجستگانی از اهل بیت (ع) که نظیری برای ایشان نیست، یاد شده است. در روایتی از انس بن مالک (د. ۹۳ق) از رسول خدا (ص) در تفسیر آیه «وَجُوهٌ يُّؤَمِّدُ مَسْفِرَةً» (عبس، آیه ۳۸)، آمده، که رسول خدا (ص) از جعفر بن ابی طالب (ع)، در کنار خود، حضرت علی (ع)، حمزه، حسن (ع)، حسین (ع) و فاطمه (س) به عنوان مصادیق این آیه یاد کرده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۳/۲). همچنین، قاضی نعمان در شرح الأخبار نقل کرده که روزی پیامبر (ص) در میان اطرافیانش مکرر به سجده رفته و خدا را شکر می کرد. وقتی علت را از ایشان پرسیدند، پاسخ داد که جبرئیل در چند مرحله به وی خبر داده که آن حضرت، امیرالمومنین علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع)، حسین (ع)، حمزه و جعفر اهل بهشت خواهند بود و برای همین آن حضرت در هر مرحله به شکرانه این خبرها سجده به جا آورده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۵۰۹/۲). در همین راستا، از حضرت علی (ع) نیز روایاتی نقل شده که آن حضرت به انتساب خود به شخصیت‌های برجسته فوق که از جمله ایشان جعفر است، افتخار کرده است. در خصال شیخ صدوق و المناقب ابن مغزلی روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده که مربوط به مناشده آن حضرت در شورای خلافت با دیگر اعضای شورا است. آن حضرت با استناد به انتساب خود به شش برگزیده الهی که همه از عبدالمطلب هستند، شایستگی خود را به خلافت اثبات می کند. آن شش برگزیده عبارتند از: رسول خدا (ص)، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیار، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دو نوه رسول خدا (ص) که آقای جوانان اهل بهشت هستند (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۵۵/۲؛ ابن مغزلی ۱۳۹۴ق: ۱۱۳-۱۱۴). احتجاج به این شخصیت‌ها حاکی از آن است که انتظار می‌رفته حاضران با توجه به مقام و منزلت ایشان حقانیت حضرت را بپذیرند و طبیعتاً عدم همراهی با ایشان بیانگر کوتاهی حاضران نسبت به بزرگداشت حق این شخصیت‌ها بوده است. همچنین، حضرت علی (ع) در شعری که به ایشان منسوب است، به بزرگداشت شخصیت‌های فوق و انتساب خویش به ایشان اشاره کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق (الف): ۲۸۰؛ کراچکی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۶/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۲۱/۴۲).

امام حسین (ع) نیز در روز عاشورا در مقام احتجاج در برابر سپاه عمر سعد با اشاره به انتساب خود به شخصیت‌های برجسته‌ای همچون رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب از آنان خواست که درباره ظلمی که به ایشان روا می‌دارند، بیاندیشند که آیا با چنین موقعیت و مقامی و چنین انتساباتی شایسته است مورد جفا قرار گیرد. همچنانکه، آن حضرت با یادکرد از روایاتی که از رسول خدا (ص) درباره فضیلت وی و برادرش امام حسن (ع) نقل شده بود، از آنان خواست درباره کار خود به فکر فرو بروند و اگر تردیدی در سخن ایشان

دارند، از آگاهانی همچون جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری (د. ۷۴ق) و سهل ساعدی (د. ۸۸ یا ۹۱ق) بپرسند تا درستی سخن برای‌شان روشن شود (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۲۴-۴۲۵، و نیز بنگرید: مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۹۷/۲). این احتجاج به خوبی موقعیت و جایگاه جعفر بن ابی طالب و شناختی که جامعه نسبت به مقام و منزلت ایشان داشت را نمایان می‌سازد، چه اینکه اگر جعفر در میان مردم فاقد چنین موقعیتی بود، یادکرد از ایشان و مباحث به وی کارکرد چندانی نداشت.

این رویکرد در خطبه امام سجاد (ع) در مسجد جامع دمشق نیز دیده می‌شود. در این خطبه امام سجاد (ع) در پاسخ به سخنان ناروای خطیبی که به امر یزید علیه امام حسین (ع) سخن پراکنی می‌کرد، از برتری داده شدن اهل بیت (ع) به هفت فضیلت که در دیگران نظیری ندارد، خبر داد. آن حضرت در کنار یادکرد از رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، حمزه بن عبدالمطلب، از جعفر بن ابی طالب یاد کرده و این شخصیت‌ها را دلیلی بر تفضل و برتری اهل بیت (ع) نسبت به دیگران دانسته است (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ۷۶/۲-۷۷؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق: ۳۹۲/۲-۳۹۳). همچنین، امام صادق (ع) در تفسیر آیه «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (حج، آیه ۴۰)، در کنار یادکرد از حضرت علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)، از جعفر بن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب نیز به عنوان مصادیق این آیه نام برده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۳). همه این موارد، نمونه‌هایی از مباحث اهل بیت (ع) به جعفر بن ابی طالب در کنار شش شخصیت برجسته دیگر از خاندان رسول خدا (ص) است، چه اینکه اینان دارای مقام و منزلتی برجسته نزد خداوند متعال بوده‌اند. بر همین اساس، اهل بیت (ع) در آخرین لحظات حیات از بزرگان خویش یاد کرده که در میان این یادکردها از جعفر بن ابی طالب نیز نام برده شده است. همچنانکه، امام حسن مجتبی (ع) در لحظات پایانی حیات‌شان، از شوق خویش برای ملاقات رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حمزه و جعفر (مسعودی (منسوب)، ۱۴۲۶ق: ۱۶۲؛ ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۶۶)، خبر داده است. وقتی امام حسین (ع) به بالین امام حسن (ع) آمد، ایشان را بشارت داد به اینکه بر جدش رسول خدا (ص)، جدش خدیجه، پدر و مادرش علی (ع) و فاطمه (ع) و عموهایش حمزه و جعفر وارد می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۴۴/۸). همچنین، امام حسین (ع) در روز عاشورا نیز به برادرزاده‌اش که در آستانه شهادت قرار داشت، این بشارت را داد که به زودی به پدران صالح خویش؛ رسول خدا (ص)، علی بن ابی طالب (ع)، حمزه، جعفر و حسن (ع)

ملحق خواهی شد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۵۱/۵؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۱۱۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۷۷/۴). یادکرد از جعفر بن ابی طالب در کنار رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) بی گمان دلالت بر جایگاه و منزلت ویژه آن بزرگوار می کند. در ادامه چرایی مباهات به جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه خواهد آمد.

۴. چرایی مباهات به جعفر بن ابی طالب (س) در روایات فضائل هفتگانه

گفته شد رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) در قالب روایات فضائل هفتگانه به وجود جعفر مباهات کرده اند. تذکر این نکته ضروری است که با وجود آنکه در این روایات از هفت شخصیت برتر از اهل بیت (ع) پیرامون رسول خدا (ص) در کنار هم نام برده شده، اما اینان در یک سطح و جایگاه نبوده و هر کدام در صنفی که به آن وابسته هستند، از دیگر اقران خود برتر و بالاتر هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۲۸)، و در میان این شخصیت ها رسول خدا (ص) در جایگاه نخست قرار داشته و بلکه آن حضرت از دیگر پیامبران و انبیای الهی نیز برتر است. پس از آن حضرت، معصومان (ع) قرار دارند و پس از ایشان جعفر بن ابی طالب در کنار حمزه قرار دارد که هر دو برترین شهدا به حساب می آیند، به گونه ای که در سطح حمزه و جعفر کسی نمی تواند قرین ایشان به شمار آید (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق: ۵۶۶/۲-۵۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۲۸). این برتری به جهت ویژگی ها و خصالی است که هر یک از این شخصیت ها از جمله جعفر بن ابی طالب دارا می باشند. از این رو، پیش از تبیین اهداف مباهات به جعفر بن ابی طالب، به بیان ویژگی های وی پرداخته می شود که این امر به درک بهتر اهداف و انگیزه های رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) از مباهات به جعفر بن ابی طالب در کنار شخصیت های برتر از اهل بیت کمک می کند.

۴-۱. ویژگی ها و خصال جعفر بن ابی طالب

بی تردید جعفر بن ابی طالب از ویژگی ها و خصالی برخوردار بوده که به او این امکان را داده که در کنار رسول خدا (ص) و برخی دیگر از اهل بیت (ع) یاد شود و به وجود وی در میان بنی هاشم مباهات گردد. تبیین ویژگی ها و خصال جعفر موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱. ویژگی های فردی و خاندانی

جعفر از خانواده و خاندان برجسته ای بود. ابو طالب؛ پدر جعفر، به رغم فقری که داشت، بر قریش سیادت یافت (یعقوبی، بی تا: ۱۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۲۸). وی از تیره بنی هاشم و از قبیله

قریش بود که جایگاه ویژه‌ای در جامعه عرب داشت. در روایتی از رسول خدا (ص) از برگزیدگی بنی هاشم یاد شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۷)، که البته این بدان معنا نیست که هر کسی هاشمی باشد، برگزیده است، بلکه بدان معناست که در این خاندان شخصیت‌های صاحب فضیلت و برجسته‌ای وجود دارد که به واسطه ایشان جایگاه بنی هاشم بالا رفته و موجب برگزیدگی ایشان نزد خداوند شده است. از سویی، جعفر در نزد رسول خدا (ص) جایگاه ویژه‌ای داشت. بر این اساس بود که رسول خدا (ص) خوشحالی خویش از آمدن جعفر را با فتح خیبر که یکی از مهم‌ترین فتوحات عصر رسول خدا (ص) بود، یکسان دانسته است (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۵۹/۲؛ یعقوبی، بی تا: ۵۶/۲؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۷۷/۱). علاوه بر نقش مهم جعفر در هجرت به حبشه، ایمان وی، ارتباط قلبی رسول خدا (ص) با وی نیز در این خوشحالی موثر بوده است. همچنانکه، امام حسن مجتبی (ع) نزدیکی جعفر و نیز حمزه به رسول خدا (ص) را دلیل برتری ایشان بر دیگر شهدا دانسته است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۶۴). به دلیل همین جایگاه، نقش و ارتباط، فقدان جعفر نیز برای رسول خدا (ص) سخت و ناگوار بوده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۳/۱). همچنانکه، در روایتی از امام سجاد (ع) شهادت جعفر به عنوان یکی از تلخ‌ترین حوادث برای رسول خدا (ص) نام برده شده است (صدوق، ۱۴۰۰ق: ۴۶۲).

از جهت خصوصیات ظاهری و اخلاقی، جعفر بن ابی طالب شبیه‌ترین افراد به رسول خدا (ص) بوده است (بخاری، ۱۴۱۰ق: ۴۰۰/۴؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۱/۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۱). از ویژگی‌ها و خصوصیات جعفر شجاعت و دلوری بوده است. او در میادین خطر ترس به دل راه نداده و به همین جهت گاه برخی افراد به دلیل انتساب به وی به شجاعت توصیف می‌شدند، همچنانکه خزیمه بن ثابت در جنگ جمل انتساب محمد حنفیه به جعفر را دلیلی بر شجاعت وی گرفته است (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۴۵/۱). شجاعت جعفر را از پشگامی وی در اسلام آوردن (بالذری، ۱۴۱۷ق: ۴۳/۲؛ قمی، ۱۳۶۳: ۳۷۸/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۱)، و نیز شرکت در نماز جماعت با رسول خدا (ص) در سالهای نخستین دعوت به اسلام (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۴/۱) می‌توان فهمید. همچنین، سرپرستی مهاجران مسلمان در سفر به حبشه و نیز پیروزی بر عمرو عاص در حضور نجاشی و نیز فراهم کردن شرایطی مناسب برای زندگی مسلمانان در حبشه از دیگر دلائلی است که نشان دهنده شجاعت جعفر است (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۳۸/۱؛ یعقوبی، بی تا: ۲۹/۲؛ مقدسی، بی تا: ۱۵۲/۴). همچنانکه، این صحنه بیانگر هوشمندی، سخنوری و درایت جعفر نیز می‌باشد. مبارزه سخت و نفس‌گیر جعفر در جنگ موته نیز دلیل دیگری بر شجاعت وی است (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۷۶۱/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۲/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۴۹۲/۲).

جعفر نسبت به بینوایان بسیار مهربان و دلسوز بوده است. با آنان گرم می‌گرفت و با ایشان هم-صحبت و هم‌غذا می‌شد. بینوایان را به منزل دعوت کرده و آنان را اکرام و اطعام کرده و به حل مشکلاتشان اهتمام می‌ورزید. برای همین رسول خدا (ص) او را «ابو المساکین؛ پدر بینوایان» نام نهاد (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۲/۵؛ مقدسی دمشقی ۱۳۸۹ق: ۳۲). این ویژگی‌ها از جمله دلائلی است که رسول خدا (ص) و اهل‌بیت (ع) به وجود جعفر مباحثات می‌ورزیدند.

ب. ایمان و ثبات قدم

جعفر بن ابی طالب از جمله پیشگامان به اسلام است. بر خلاف برخی از گزارش‌ها که اسلام آوردن جعفر را به سال سوم بعثت برمی‌گرداند، شواهد تاریخی حاکی از آن است که جعفر به فاصله کوتاهی پس از برادرش علی (ع) به اسلام گروید. مذمت حضرت علی (ع) از بت‌پرستی (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۴۲/۲-۴۳)، و نیز توصیه ابوطالب به فرزندش جعفر در گرویدن به رسول خدا (ص) در این امر تأثیر داشته است (قمی، ۱۳۶۳: ۳۷۸/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۳/۱). وی از جمله معدود مسلمانانی است که در نماز جماعت‌های نخستین صدر اسلام حضور داشته است (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۳/۱). از حضرت علی (ع) روایتی نقل شده که در آن از پیمانی میان خویش، حمزه، جعفر و عبیده بن حارث مبنی بر ثبات قدم در راه اسلام یاد شده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۳۵۴/۲). از این رو، ایمان جعفر با ثبات قدم و پیشگامی وی در خطرات همراه بود (مفید، ۱۴۱۳ق (ج): ۳۹). وی در ایمانش اخلاص داشته (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۲/۱)، و خواست خدا و رسول خدا (ص) را بر خواست خویش مقدم کرده و اساساً خواسته‌ای جز رضای خدا و رسول او نداشت. امام حسن مجتبی (ع) در سخنانی به پیشگامی جعفر در اجابت فرمان رسول خدا (ص) و ایثارگری برای دین خدا اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۶۳). این ولایت‌پذیری در اشعاری که حسان بن ثابت درباره جعفر سروده نیز، آمده است (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۸۴/۲). ایمان صادقانه جعفر و ثبات قدم وی به تقویت اسلام کمک کرد. از این رو، رسول خدا (ص) نیز بر ایمان و عمل وی صحنه گذاشت و در کنار برخی دیگر از شخصیت‌های برجسته اهل‌بیت (ع) (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۹/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق: ۵۳۰/۱)، از جعفر به نیکی یاد کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: خامسه ۸/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۳/۱-۲۱۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق: ۳۴۳/۱)، و وی را اهل بهشت دانست (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۳/۱). همچنین، به دلیل همین ویژگی‌ها بود که حضرت علی (ع) بعد از وقایع سقیفه با یادکرد از جعفر و نیز حمزه فقدان ایشان را عاملی برای جرأت یافتن قریش بر غصب خلافت دانست (طبری املی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۸-۴۲۸؛

کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۹/۸-۱۹۰). این ایمان، ثبات قدم و ولایت‌مداری از دیگر خصال جعفر بود که وی را حائز جایگاه و منزلتی می‌کرد که در میان هفت شخصیت برجسته اهل بیت (ع) نام‌بردار شود.

ج. فعالیت‌ها و اقدامات موثر در خدمت به اسلام

در میان فعالیت‌ها و اقدامات جعفر پس از اسلام آوردن وی، دو مأموریت «سرپرستی کاروان مهاجران به حبشه» و «فرماندهی در جنگ سخت موته» حائز اهمیت ویژه هستند. در این میان، هجرت به حبشه و مدیریت و رهبری کاروان مهاجران مسلمان علاوه بر آنکه توانمندی بالای جعفر در رهبری و مدیریت و نیز مواجهه با مخاطرات را نشان داد، بر مقام و منزلت وی نزد رسول خدا (ص) افزود. همچنانکه، پیشتر گفته شد رسول خدا (ص) بازگشت موفقیت‌آمیز جعفر از این هجرت را همتای با فتح خیبر دانسته بود (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۵۹/۲؛ یعقوبی، بی‌تا: ۵۶/۲؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۷۷/۱). جعفر کاروان مسلمانان را در مسیر هجرت سخت و دشوار به حبشه به خوبی مدیریت و رهبری کرد. پس از آن نیز با ورود نمایندگان قریش به حبشه برای بازگرداندن مسلمانان، جعفر به خوبی نقش خود را در دفاع از اسلام و مسلمانان ایفا کرد. این درحالی بود که قریش به دلیل موقعیت‌هایی که داشتند، طرحی منسجم برای بازگرداندن مسلمانان طراحی کرده بودند. ارتباط تجاری قریش با نجاشی؛ پادشاه حبشه (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۵۹/۱)، از سویی، رابطه دوستانه عمرو عاص (د. ۴۳ق) نماینده قریش با وی (ابن هشام، بی‌تا: ۲۷۷/۲)، همچنین هدایایی که برای نجاشی فرستاده بودند (یعقوبی، بی‌تا: ۲۹/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۸/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۵/۱)، ظرفیت‌هایی بود که امیدواری قریش به دستیابی به اهدافشان را تقویت می‌کرد. آنان برای بزرگان حبشه نیز هدایایی فرستاده بودند تا از این طریق بتوانند زمینه تأثیرگذاری بر نجاشی را تقویت کنند (ابن هشام، ۱۹۵۵م: ۳۳۴/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۸/۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق: ۳۸۹/۲). این عوامل تأثیرگذار می‌توانست شرایط را برای مسلمانان مهاجر دشوار کرده و نجاشی را برای بیرون راندن آنان از حبشه متقاعد کند. از این رو، هر چند هجرت به حبشه در آن زمان دشوار بوده و مسلمانان در این مسیر سختی دیدند، اما قریش کارزاری طراحی کرده بود که سختی سفر در برابر آن به حساب نمی‌آمد. بی‌گمان عدم موفقیت مسلمانان در مواجهه با کارزار قریش، می‌توانست شرایط دشوارتری را برای آنان و همه کسانی که در مگه بودند، فراهم کند. با این وجود، جعفر بن ابی طالب به عنوان سرپرست و نماینده مسلمانان در این معرکه که یک میدان مبارزه حقیقی بود توانست به جهت ایمان، اخلاص، هوشمندی، شجاعت و درایتی که داشت، امنیت و آرامش را برای مسلمانان به ارمغان بیاورد و زمینه زندگی

مسالمت‌آمیز آنان را در حبشه فراهم کند (صالح، ۱۳۹۵ق: ۱۹۳). وی با بیانی محکم، استدلال‌هایی قوی و نیز بهره‌گیری درست و حکیمانه از آیات قرآن کریم توانست نجاشی را با خود همراه کند، به گونه‌ای که نجاشی نه تنها مسلمانان را از حبشه بیرون نراند (ابن هشام، ۱۹۵۵ م: ۳۳۶/۱-۳۳۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۲۵۶/۴)، بلکه با لحنی تند و قاطع با درخواست نماینده قریش مخالفت کرده و هدایایی را که آورده بودند نیز به آنان بازگرداند (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۰/۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق: ۳۸/۱)، و شرایط مطلوبی را برای مسلمانان در حبشه فراهم کرد (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۰/۱). اینگونه بود که جعفر در بیرون از مکه شکست سنگینی را بر قریش تحمیل کرد. وی در حبشه به مانند یک مجاهد پیکار جو عمل کرد. همچنانکه رسول خدا (ص) وی را به این ویژگی متصف کرد (قمی، ۱۳۶۳: ۲۶۵/۱).

جعفر در سال هشتم هجرت، در جنگ موته که یک سال پس از بازگشت وی به مدینه به وقوع پیوست نیز نقشی مهم ایفا کرد. وی از سوی رسول خدا (ص) به عنوان یکی از فرماندهان سپاه اسلام به موته^۱ اعزام شد. گفته شده است رسول خدا (ص) زید بن حارثه و در صورت شهادت وی جعفر و پس از شهادت ایشان، عبدالله بن رواحه را فرمانده سپاه قرار داده بود (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۷۵۶/۲؛ ابن هشام، ۱۹۵۵ م: ۳۷۳/۲). برخی نیز گفته‌اند رسول خدا (ص) جعفر و در صورت شهادت وی زید بن حارثه و پس از وی عبدالله بن رواحه را فرمانده سپاه قرار داده بود (یعقوبی، بی‌تا: ۶۵/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۲/۱). با توجه به تجربه بیشتر زید در فرماندهی نظامی، احتمال اول با مقبولیت بیشتری مواجه است. به هر حال، جعفر در این جنگ رشادت ویژه‌ای به خرج داد. بر همین اساس، تمام جراحاتی که بر وی وارد شده بود، بر قسمت جلوی بدن او وارد شده بود (مسعودی، بی‌تا: ۲۳۱)، که این امر از جدیت و شجاعت جعفر در مقابله با دشمن و پشت نکردن به آن حکایت دارد. به هر حال، خبر شهادت جعفر به رسول خدا (ص) رسید و آن حضرت از این خبر به شدت متأثر گردید و خانواده و فرزندان جعفر را مورد لطف و محبت ویژه خود قرار داد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۲۴۳/۱). این تلاش‌ها و اقدامات جعفر از دیگر عواملی بود که وی را شایسته آن قرار داد تا از سوی رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) مورد مباحات قرار گیرد. در ادامه، به تبیین اهداف و انگیزه‌های مباحات به جعفر که در کنار دیگر شخصیت‌های اهل بیت (ع) شایسته افتخار دانسته شده، پرداخته خواهد شد.

۱. منطقه‌ای در شام (مقدسی، بی‌تا: ۲۳۰/۴).

۴-۲. اهداف مباهات به جعفر بن ابی طالب در روایات فضائل هفتگانه

أ. نشان دادن الگوهای برتر به جامعه

به طور کلی، یکی از شیوه‌ها و ابزارهای هدایت معرفی الگوست، چه اینکه انسان‌ها با آشنایی با الگوهای موفق راحت‌تر می‌توانند مسیر هدایت و تربیت را طی کنند. در قرآن کریم نیز به این رویه عمل شده است، آنجا که قرآن کریم حضرت ابراهیم را به عنوان الگویی که بایسته پیروی است، معرفی کرده است^۱. همچنین، حضرت محمد (ص) را به عنوان الگویی نیک و بایسته تبعیت معرفی کرده است^۲. بر این اساس، گفته شده است فلسفه ذکر برتری برخی از انبیا بر برخی دیگر در قرآن کریم^۳، تشویق مومنان به تلاش برای آراسته شدن به صفات پسندیده‌ای است که انبیا به آن آراسته هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۰/۱۳). به تبعیت از قرآن کریم، رسول خدا (ص) نیز در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف به معرفی الگوهای جامعه پرداخته که یکی از آنها روایات فضائل هفتگانه است که در آن از جعفر و دیگر شخصیت‌های برجسته اهل بیت (ع) یاد کرده است. در واقع هدف رسول خدا (ص) معرفی نمونه‌هایی است که دینداری حقیقی در آنان متجلی شده است. جعفر بن ابی طالب یکی از این الگوهاست. به همین خاطر از وی به عنوان یکی از مصادیق آیه «أَمْنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ» (بقره، آیه ۱۳)، یاد شده که بایستی به مانند ایشان ایمان آورد (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۹۳/۱). با این حال، برخی تلاش کردند که شخصیت‌هایی همچون جعفر کمتر مورد توجه قرار گیرند. همچنانکه، معاویه بن ابی سفیان (حک: ۴۱-۶۰ق)، اجازه نشر نامه امام علی (ع) که در آن از حمزه و جعفر به عنوان الگوها و نمونه‌های افتخارآمیز یاد کرده بود را نداد، چه اینکه می‌ترسید مردم به آنان گرایش پیدا کرده و از او روی‌گردان شوند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۹/۸).

ب. نقش یادکرد و مباهات به جعفر در اثبات برتری و حقانیت اهل بیت (ع)

بررسی سخنان رسول خدا (ص) در یادکرد و مباهات به جعفر در کنار دیگر شخصیت‌های برجسته اهل بیت (ع)، نشان از آن دارد که آن حضرت با این کار به دنبال اثبات برتری و حقانیت اهل بیت (ع) بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۹/۸-۵۰)، چه اینکه اساساً خاصیت مفاخره تقابل با منکران افتخار است. البته

۱. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» (ممتحنه، آیه ۴).

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، آیه ۲۱).

۳. «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» (اسراء، آیه ۵۵).

این امر نه از روی فخرفروشی (صدوق، ۱۳۶۲: ۶۴۱/۲)، بلکه برای نشان دادن راه حق و درست به جامعه بوده است. هدف امیرالمومنین علی (ع) نیز چه در شورای خلافت (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۵۵/۲)، و چه در نامه خود به معاویه (بالذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱۱/۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۹/۸)، از ذکر انتساب خویش به شخصیت‌های برتر اهل بیت (ع) از جمله جعفر، اثبات حقانیت و برتری خویش بوده است. ذکر نام جعفر در کنار دیگر شخصیت‌های برتر از خاندان رسول خدا (ص) در سخنان امام حسین (ع) در روز عاشورا نیز جلوه دیگری از احتجاج اهل بیت (ع) به بزرگان خویش برای اثبات حقانیت‌شان را نمایان می‌سازد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۲۴-۴۲۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۹/۵). امام سجاد (ع) نیز در مجلس یزید (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ۷۷-۷۶/۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق: ۳۹۲/۲-۳۹۳)، همین اهداف را دنبال می‌کرد. بنابراین، جعفر بن ابی طالب از شخصیت و جایگاهی برخوردار بوده که در کلام رسول خدا (ص) و ائمه (ع) به عنوان گواهی بر حقانیت ایشان نام برده شود.

ج. انگیزه‌های عاطفی و امیدبخشی در یادکرد از جعفر

یادکرد از جعفر و مباحثات به وی در واپسین لحظات حیات برخی از اهل بیت (ع) می‌تواند به دلیل انگیزه-های عاطفی و یا امیدبخشی باشد. همچنانکه یادکرد رسول خدا (ص) از جعفر و مباحثات به وی در هنگام بیماری منجر به رحلت ایشان برای دخترشان حضرت فاطمه (س) که از فقدان قریب الوقوع رسول خدا (ص) گریان بود (سلیم، ۱۴۰۵ق: ۵۶۶/۲-۵۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۲۸)، مایه تسلی خاطر و دلگرمی بود، به این بیان که همچنانکه خداوند تاکنون اهل بیت (ع) را با وجود این گونه اشخاص مورد لطف قرار داده، پس از این نیز با آنان چنین به لطف برخورد خواهد کرد. بی‌تردید یادکرد از جعفر و دیگر شخصیت-های برجسته توسط امام حسن (ع) در هنگامه واپسین (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۲۸۶/۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۴۴/۸)، و نیز توسط امام حسین (ع) در لحظاتی که برادرزاده‌اش در روز عاشورا در حال جان دادن بود نیز (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۵۱/۵؛ ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۱۱۶)، انگیزه‌ای عاطفی را به ذهن می‌رساند.

جمع بندی

بررسی منابع تاریخی و روایی شیعه و سنی ما را به دو دسته از روایات فضائل هفتگانه رهنمون می‌سازد که در هر دو دسته از روایات پیرامون رسول خدا (ص) از هفت شخصیت برجسته از اهل بیت (ع) یاد شده که جعفر بن ابی طالب یکی از این هفت شخصیت برجسته است. در این روایات به این شخصیت‌ها به عنوان مفاخر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب مباحث شده است. در این نوشتار، بررسی چگونگی و چرایی مباحث به جعفر بن ابی طالب (ع) به عنوان یکی از این هفت شخصیت بافضیلت مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل روایات نشان داد که در یک دسته از روایات در کنار رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حمزه، حسن (ع)، حسین (ع) و مهدی (عج) از جعفر بن ابی طالب در کنار حمزه به عنوان برترین شهیدان یاد شده است. در دسته دیگر نیز با همین ویژگی در کنار رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حمزه، حسن (ع)، حسین (ع) از جعفر بن ابی طالب (ع) نام برده شده است. این مباحث به دلیل ویژگی‌های فردی و خاندانی جعفر، ایمان و ثبات قدم وی و همچنین فعالیت‌ها و اقدامات موثری که در خدمت به اسلام انجام داد، صورت گرفته است. به عنوان نمونه، سرپرستی کاروان مهاجران مسلمان به حبشه ماموریت دشواری بود که جعفر بن ابی طالب به خوبی از عهده آن برآمد و در این مسیر توانست با اقتناع نجاشی، شرایط مساعدی را برای حضور مسلمانان در حبشه فراهم کند. همچنین، مشخص گردید رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) به منظور معرفی الگوهای برتر به جامعه اسلامی، احتجاج به مقام و منزلت جعفر در برابر مخالفان و با انگیزه‌های عاطفی و به منظور امیدبخشی از جعفر یاد کرده و به وی مباحث کرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد (۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابو الفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تصحیح محمد محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳. ابن اثیر، عز الدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.
۴. ابن اثیر، عز الدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر - دار بیروت.
۵. ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع هاشمی (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۷. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الإستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، چاپ اول.
۸. ابن عبدالوهاب، حسین (بی تا)، عیون المعجزات، قم، مکتبه الداوری.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۱۰. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، فضائل أمير المؤمنین علیه السلام، تصحیح عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، قم، دلیل ما، چاپ اول.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر.
۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، سنن، بیروت، دار الجیل، چاپ اول.
۱۳. ابن مغالزی، ابو الحسن علی بن محمد (۱۳۹۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب (ع)، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم.
۱۵. ابن هشام، عبد الملك بن هشام (۱۹۵۵م)، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأياري و عبد الحفيظ شلبي، بيروت، دار المعرفة.
۱۶. ابو الفرج اصفهاني، على بن الحسين (بى تا)، مقاتل الطالبين، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة.
۱۷. احمدى ميانجى، على (۱۴۱۹ق)، مكاتيب الرسول (ص)، قم، دارالحديث، چاپ اول.
۱۸. اربلى، على بن عيسى (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تصحيح سيد هاشم رسولى محلاتى، تبريز، بنى هاشمى، چاپ اول.
۱۹. بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۰ق)، صحيح البخاري، مصحح: لجنة إحياء كتب السنة، قاهره. وزارة الأوقاف. المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، چاپ دوم.
۲۰. بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۱۷ق)، انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر، چاپ اول.
۲۱. بهراميان، على (۱۳۸۹)، «مدخل جعفر بن ابى طالب»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر سيد محمد كاظم موسوى بجنوردى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
۲۲. ترمذى، محمد بن عيسى (۱۴۱۹ق)، سنن، تحقيق و شرح: احمد محمد شاكر، قاهره، دار الحديث، چاپ اول.
۲۳. جوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، بيروت، دار العلم للملايين، چاپ اول.
۲۴. حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمد باقر محمودى، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، چاپ اول.
۲۵. حسيني موسوى، محمد بن أبى طالب (۱۴۱۸ق)، تسلية المُجالس و زينة المَجالس، كريم فارس حسون، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
۲۶. حميرى، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، تصحيح مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

۲۷. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، تصحیح عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، بیدار.
۲۸. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسین علیه السلام، قم، انوار الهدی، چاپ دوم.
۲۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.
۳۱. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم، تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، چاپ اول.
۳۲. سید ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، تصحیح علی عاشور، قم، خیام، چاپ اول.
۳۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۴. صالح، محمد (۱۳۹۵ق)، «بطل و معارک: جعفر بن ابی طالب»، منبر الإسلام، السنة الثالثة و الثلاثون، العدد ۶.
۳۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰ق)، الأمالی، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم.
۳۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۳۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، چاپ دوم.
۳۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

۳۹. طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الورى بأعلام الهدى، قم، آل البيت، چاپ اول.
۴۰. طبرى آملی کبير، محمد بن جرير بن رستم (۱۴۱۵ق)، المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، تصحيح احمد محمودی، قم، کوشانپور، چاپ اول.
۴۱. طبرى آملی، محمد بن أبي القاسم (۱۳۸۳ق)، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، نجف، المكتبة الحيدرية، چاپ دوم.
۴۲. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير (۱۳۸۷ق)، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، چاپ دوم.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالي، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
۴۴. فتال نيشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم، انتشارات رضی، چاپ اول.
۴۵. فرات کوفی، فرات بن ابراهيم (۱۴۱۰ق)، تفسير فرات الكوفي، محمد كاظم، تهران، مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ اول.
۴۶. فراهیدی، خليل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العين، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۴۷. فيروزآبادی، محمد بن يعقوب (۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول.
۴۸. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
۴۹. قاضی نعمان، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، جامعه مدرسين، چاپ اول.
۵۰. قمی، علی بن ابراهيم (۱۳۶۳)، تفسير القمی، تحقيق طيب موسوی جزايری، قم، دار الكتاب، چاپ سوم.
۵۱. كراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، كنز الفوائد، تصحيح عبدالله نعمة، قم، دارالذخائر، چاپ اول.

۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۵۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم.
۵۴. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، إثبات الوصية للإمام عليّ بن أبي طالب، قم، انصاریان، چاپ سوم.
۵۵. مسعودی، علی بن حسین (بی تا)، التنبيه و الإشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، (افست قم: مؤسسة نشر المنابع الثقافة الإسلامية).
۵۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره- لندن، دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم.
۵۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق) ب، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تصحیح موسسه آل البيت (ع)، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۵۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق) ج، الإفصاح في الإمامة، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۵۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق) الف، الفصول المختارة، تصحیح علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۶۰. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، البدء و التاريخ، بور سعید، مكتبة الثقافة الدينية.
۶۱. مقدسی دمشقی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد (۱۳۸۹ق)، مناقب جعفر بن ابی طالب، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بغداد، مطبعة المعارف، چاپ اول.
۶۲. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۶۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹ق)، الغيبة، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول.

۶۴. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۳۵۳ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مکتبة القدسی.
۶۵. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، موسسه اعلمی، چاپ سوم.
۶۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.